

سودان در بحران: جنگ ضدانقلابی، نسل کشی و دخالت قدرت‌های خارجی

آزاده ثبوت

در آوریل ۲۰۲۳، دو جناح اصلی نظامی سودان - نیروهای مسلح سودان (ساف) و نیروهای پشتیبانی سریع (آر اس اف) وارد جنگی تمام‌عیار شدند که بیش از دو سال است بخش‌های وسیعی از کشور را ویران کرده است. این جنگ، برخلاف درگیری‌های داخلی معمول، **یک جنگ ضدانقلابی** علیه دستاوردهای انقلاب ۲۰۱۸ سودان است، انقلابی که امکان جایگزینی غیرنظامی و دموکراتیک به جای حکومت نظامی را مطرح کرده بود.

هر دو جناح در طول جنگ مرتکب جنایاتی علیه غیرنظامیان شده‌اند و ساف که خود را «شر کمتر» معرفی می‌کند، از حمایت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای مانند آمریکا، عربستان سعودی، مصر و روسیه برخوردار است. در مقابل، آر اس اف با حمایت مستقیم **امارات متحده عربی** و از طریق ارسال سلاح و نیرو، به جنگ ادامه می‌دهد. این دخالت‌ها نشان می‌دهد که بحران سودان نه یک درگیری داخلی بلکه بخشی از بازی ژئوپلیتیک و اقتصادی منطقه‌ای است. پیامدهای این جنگ بسیار جدی است: نسل‌کشی و جنایات جنگی علیه غیرنظامیان، بحران اقتصادی و انسانی و سرکوب جنبش‌های مردمی که خواستار حکومت غیرنظامی و عدالت اجتماعی هستند. توافق‌های صلح و تقسیم قدرت نیز غالباً مشروعیت بخشی به گروه‌های نظامی را تقویت کرده و تلاش‌های مردمی را کنار گذاشته‌اند.

جنبش‌های مردمی سودان و فعالان دیاسپورای این کشور، با کمپین‌هایی مانند کمپین مردمی **تحریم سلاح**^۱ و افشاگری‌های بین‌المللی، در تلاشند شبکه‌های تامین سلاح را قطع کرده و نقش قدرت‌های خارجی مانند آمریکا و امارات را در ادامه جنگ افشا کنند. کنش‌گران سودانی همچنین بارها بر این موضوع تاکید داشته‌اند که جنگ کنونی سودان بیش از یک درگیری نظامی داخلی است؛ این یک **جنگ ضدانقلابی و نسل‌کشی با حمایت قدرت‌های خارجی** است. این کنشگران همچنین با پیوستن به جنبش‌های همبستگی جهانی کوشیده‌اند تا مبارزات سودان را به فلسطین، یمن و دیگر

¹ People's Arms Embargo

کشورهای منطقه پیوند دهند و بر نقش نظام امپریالیستی بر کنترل منابع تاکید کنند. حمایت‌های آمریکا و امارات از جناح‌های نظامی، بهره‌برداری از منابع طبیعی و سرکوب جنبش‌های مردمی را تقویت کرده و جنبش‌های مردمی و مقاومت سازمان‌یافته برای آزادی و عدالت را تضعیف می‌کند.

جبهه مقاومت سودان (سُرف)^۲ یک جمعیت مردمی متشکل از فعالان سودانی است که همزمان متعهد به مقابله با حکومت نظامی سودان و دخالت‌های امپریالیستی خارجی، به‌ویژه ایالات متحده و امارات متحده عربی هستند و به‌طور فعال در افشای نقش امارات در درگیری‌های جاری سودان، از جمله حمایت آن از آراس اف فعالیت دارند. یکی از ابتکارات مهم این جبهه، تشکیل یک **ائتلاف گسترده** برای هدف قرار دادن نهادهایی است که در دخالت‌های امپریالیستی امارات دست دارند. به عنوان بخشی از استراتژی خود، این ائتلاف نهادهای دانشگاهی مانند **دانشگاه نیویورک** را که روابط مالی و سیاسی عمیقی با امارات دارد مورد هدف قرار می‌دهد. امارات از پردیس دانشگاه نیویورک در ابوظبی با قدرت نرم خود حمایت مالی می‌کند، در حالی که همزمان به تامین و تسلیح نیروهای ضدانقلاب در سودان می‌پردازد. **جبهه مقاومت سودان** به‌عنوان بخشی از کمپین خود، خواستار آن شده که دانشگاه نیویورک روابط خود با امارات را قطع کند، چرا که چنین همکاری‌هایی مستقیماً به رژیم‌های جنگ، سرکوب و گسترش امپریالیستی را تامین مالی می‌کند، قدرت می‌بخشد.

علاوه بر این، آنها تجمعات و اعتراضاتی را برای افزایش آگاهی درباره دخالت امارات در جنگ داخلی سودان سازمان‌دهی کرده‌اند. برای مثال، در ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۵، جبهه مقاومت سودان تجمعی در منطقه مانهاتان نیویورک برگزار کردند تا جنایات رخ داده در سودان و همدستی قدرت‌های خارجی را برجسته کنند. فعالیت‌های آنها همچنین شامل **اقدامات مستقیم و فعالیت‌های مدنی** است که هدف آن **مختل کردن شبکه‌های تامین سلاح و منابع جنگ ضدانقلابی در سودان** است. آن‌ها از طرّحی با عنوان **تحریم تسلیحاتی مردم** حمایت می‌کنند که هدفش قطع مستقیم شبکه‌های تامین جنگ است. این رویکرد نیاز به بازنگری ساختاری در نحوه ادامه جنگ توسط قدرت‌های امپریالیستی، به

² SuRF

رهبری آمریکا و حمایت بازیگران منطقه‌ای مانند امارات برای سودآوری را نشان می‌دهد. **جبهه مقاومت سودان** خواستار حل عادلانه و صلح‌آمیز به رهبری مردم سودان است و نقشی محوری در مقابله با همدستی خارجی در بحران سودان ایفا می‌کند.

در ادامه این نوشته به منظور آشنایی با فعالیت‌های **جبهه مقاومت سودان**، گفتگویی که در فوریه سال ۲۰۲۵ با سه تن از اعضای کمیته مرکزی آن انجام شده است به فارسی برگردانده می‌شود. این گفتگو توسط شیرین اکرم-بوشار با نون السید سازمان‌دهنده و نویسنده سودانی، سالومه آیواک سازمان‌دهنده و نویسنده و مازن السافی، فیلم‌ساز مستقل و سازمان‌دهنده انجام شده است.^۳

شیرین اکرم-بوشار: در ۷ ژانویه، ایالات متحده در بیانیه‌ای اعلام کرد که به این نتیجه رسیده است که نیروهای پشتیبانی سریع سودان (آر اس اف) و شبه‌نظامیان هم‌پیمان آن مرتکب نسل‌کشی در سودان شده‌اند. در این بیانیه، ایالات متحده تحریم‌هایی علیه رهبر آر اس اف، محمد «همدتی» دگالو، و چند شرکت وابسته به آر اس اف اعلام کرد. یک هفته بعد، ایالات متحده همچنین تحریم‌هایی علیه سران نیروهای مسلح سودان (ساف)، عبد الفتاح البرهان وضع کرد. واکنش شما نسبت به این بیانیه‌ها چه بود؟ چرا فکر می‌کنید این تحریم‌ها اکنون اعمال شده‌اند و آیا تفاوتی ایجاد خواهند کرد؟

نون السید: تحریم‌ها و تعیین وضعیت نسل‌کشی توسط ایالات متحده نشان می‌دهد که بحران در سودان چقدر جدی است، اما ما نمی‌توانیم برای آزادی مردم خود به ابزارهای امپریالیستی متکی باشیم. تحریم‌های گذشته، مانند دوران حکومت البشیر، به مردم سودان بسیار بیش از خود رژیم آسیب رساند. این تحریم‌ها اقتصاد را نابود کردند، کشور را منزوی کردند و مردم را عمیقاً در فقر فرو بردند، در حالی که رژیم راه‌هایی برای انطباق پیدا کرده و حتی توانست کنترل خود بر منابع دولتی را در میان نخبگان تقویت کند.

هدف قرار دادن هر دو طرف درگیری با تحریم‌ها، یک سابقه خطرناک برای دخالت‌های بیشتر آمریکا تحت عنوان پاسخگویی ایجاد می‌کند که به‌عنوان چارچوبی برای تحریم‌های اقتصادی شدیدتر یا دستکاری

³ <https://truthout.org/articles/sudanese-activists-are-fighting-us-and-uae-complicity-in-sudans-genocide/>

سیاسی استفاده می‌شود. وضع تحریم‌ها بدون پرداختن به ریشه‌های تاریخی و ساختاری درگیری، از وضعیتی پیچیده ساده‌سازی می‌کند و حق حاکمیت و استقلال سیاسی سودان را به حاشیه می‌راند. چنین اقداماتی اغلب مداخله امپریالیستی را توجیه می‌کند و مسائل اصلی از جمله نظامی‌سازی، استثمار و وابستگی خارجی را بدون راه حل باقی می‌گذارد. هدف قرار دادن همدتی و البرهان ممکن است شبیه پاسخگویی باشد، اما این خطر را به همراه دارد که به حرکتی نمادین تبدیل شود و غیرنظامیان را همچنان در معرض همان سیستم‌های فاسد قرار دهد.

سالومه آیواک: واکنش من به تحریم‌های ایالات متحده علیه آر اس اف و ساف در بدبینی عمیقی ریشه دارد که از الگوهای تاریخی دخالت آمریکا در سودان شکل گرفته است. این تحریم‌ها یادآور سال ۲۰۰۴ و واکنش آمریکا به بحران دارفور است که همچنین شامل فراخوان‌هایی برای مداخله بود.

ظهور آر اس اف در قدرت نتیجه مستقیم دهه‌ها مداخله امپریالیستی است. در آستانه تقسیم سودان جنوبی در ۲۰۱۱، آمریکا فعالانه سلاح و منابع نظامی دیگر را به منطقه سرازیر کرد و با هر دو طرف بازی کرد تا اختلافات داخلی را عمیق‌تر کند. بسیاری از این سلاح‌ها در نهایت به دست آر اس اف رسید و آن‌ها را قادر ساخت تا قدرت را تثبیت کنند و این جنایات را مرتکب شوند. این میراثی از گذشته نیست؛ تداوم ارسال سلاح از سوی متحدان آمریکا مانند امارات همچنان عملیات آر اس اف را تقویت می‌کند. دولت آمریکا اکنون با اعلام نسل‌کشی به‌طور راحت نقش خود در ایجاد شرایط این خشونت را نادیده می‌گیرد و خود را به‌عنوان یک داور اخلاقی معرفی می‌کند تا توجه‌ها را از مسئولیت آشوبی که ایجاد کرده است، منحرف کند.

مداخله خارجی، کنترل اقتصادی و دستکاری نظامی، مبارزات سودان را تحت تاثیر خود قرار داده است. در ۲۰۱۸، انقلاب سودان چالشی برای نظام حاکم بود، اما به سرعت نیروهای ضدانقلاب شکل گرفتند. در آوریل ۲۰۱۹، رهبر آر اس اف همدتی به برکناری عمر البشیر کمک کرد، نه به نفع مردم، بلکه برای تثبیت قدرت. او و رهبر ساف البرهان با هم همکاری کردند تا قیام‌هایی که پس از برکناری البشیر ادامه داشت، سرکوب شوند، و آر اس اف بیش از ۱۰۰ غیرنظامی را در تجمعی در خارطوم در ۳ ژوئن ۲۰۱۹ قتل‌عام کرد. اتحاد آن‌ها به‌زودی فروپاشید و نبرد میان رهبران نظامی، که هر دو از سوی منافع خارجی حمایت می‌شدند، آشکار شد.

توافق‌های صلح نخبگانی، آتش‌بس‌ها، توافق‌های تقسیم قدرت و اصلاحات هدایت‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول تنها به مشروعیت بخشیدن به کنترل نیروهای نظامی کمک می‌کنند در حالی که جنبش‌های مردمی سودان به حاشیه رانده می‌شوند. این توافق‌ها همان ساختارهایی را تقویت می‌کنند که بحران سودان را ایجاد کرده‌اند و به گروه‌های نظامی به دلیل خشونت‌هایشان پاداش می‌دهند. صلح واقعی در حمایت از جنبش‌های سودانی برای عدالت، تعیین سرنوشت و آزادی نهفته است.

شیرین اکرم-بوشار: در ۱۱ ژانویه، ساف شهر ود مدنی، یکی از شهرهای کلیدی سودان را از آر اس اف بازپس گرفت. در حالی که پایان خشونت آر اس اف در شهر باعث خوشحالی شد، فعالان سودانی همچنین نسبت به این تصور که تصرف ساف را نباید «آزادی» تلقی کرد، هشدار دادند. ایده اینکه آر اس اف به‌طور خاص مسئول نسل‌کشی و جنگ ۲۱ ماهه در سودان است، نشان می‌دهد که ساف «شر کمتر» یا نیروی مطلوب‌تر برای کنترل سودان است. اما نگاه به منشأ آر اس اف خلاف این را نشان می‌دهد. آیا می‌توانید درباره رابطه تاریخی آر اس اف و ساف توضیح دهید؟ مردم سودان در داخل کشور و دیاسپورا چگونه این دو نیرو را درک می‌کنند؟

آیواک: آر اس اف و ساف از نظر تاریخی به‌شدت در هم تنیده‌اند و از همان سیستم‌های خشونت و سرکوب شکل گرفته‌اند که تاریخ مدرن سودان را ایجاد کرده‌اند. آر اس اف از شبه‌نظامیان جنبجویید تشکیل شده که در جریان بحران دارفور برای انجام کمپین‌های نسل‌کشی توسط ساف مسلح و حمایت شده بودند. در ۲۰۱۳، آر اس اف تحت رهبری همدتی رسمیت پیدا کرد و به بخشی از دستگاه امنیتی دولت تبدیل شد، موضوعی که نقش ساف در نهادی کردن این شبه‌نظامیان را نشان می‌دهد. این رابطه تاریخی بیانگر این است که ساف و آر اس اف نیروهای بنیادی متفاوتی نیستند، بلکه امتداد همان ساختارهای سرکوبگر هستند.

هر دو ساف و آر اس اف خشونت علیه غیرنظامیان را برای تثبیت قدرت خود اعمال کرده‌اند. ساف، تحت رهبری کسانی مانند عبد الفتاح البرهان، سابقه طولانی هدف قرار دادن مناطق حاشیه‌ای مانند آبی، جنوب کردفان و نیل آبی را دارد. در آبی، ساف از شبه‌نظامیان شمالی برای جابه‌جایی جوامع دینکا نوک و بهره‌برداری از منابع نفتی منطقه استفاده کرد و منافع اقتصادی و قدرت را بر رفاه مردم اولویت داد. به همین ترتیب، اقدامات خشونت‌آمیز آر اس اف در دارفور و سپس در خارطوم در قتل‌عام ۲۰۱۹ از همان الگوی خشونت دولتی پیروی می‌کند.

تصور اینکه ساف ممکن است آزادی به ارمغان بیاورد، تاریخ مشارکت آن‌ها در رنج مردم سودان را پنهان می‌کند. این چارچوب همچنین از تلاش‌های جاری کمیته‌های مقاومت مردمی و شوراهای محلی که در خط مقدم جنبش‌های انقلابی برای رهبری غیرنظامیان بوده‌اند، می‌کاهد. فعالان سودانی توافق‌های صلح نخبگانی که بازیگران نظامی مانند البرهان و همدتی را مشروعیت می‌بخشند، رد می‌کنند. توافق‌هایی مانند توافق صلح جوبا ۲۰۲۰ اغلب تلاش‌های غیرنظامیان را به حاشیه می‌راند و تمرکز را بر تقسیم قدرت میان گروه‌های مسلح و اجرای اصلاحات اقتصادی مانند حذف یارانه سوخت و سیاست‌های ریاضتی آسیب زننده و هدایت‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول، قرار می‌دهند. از این رو بازپس‌گیری شهر ود مدنی توسط ساف قدمی به سوی آزادی نیست، بلکه ادامه همان ساختارهای سرکوبگری است که ساف و آر اس اف همواره تجسم کرده‌اند. سازمان‌دهندگان بر این باورند که آزادی واقعی نیازمند منحل کردن این نهادهای نظامی و محور قرار دادن خواسته‌های جنبش‌های مردمی است.

شیرین اکرم-بوشار: فعالان سودانی امارات را به خاطر مشارکت در جنگ ۲۱ ماهه در سودان محکوم کرده‌اند. امارات بارها نقش خود را انکار کرده، اما شواهد علیه آن افزایش یافته است. در حالی که بیانیه‌های آمریکا در اوایل ژانویه نقش امارات را نادیده گرفت، نقش این کشور در طولانی کردن جنگ غیرقابل چشم‌پوشی شده است. فعالان سودانی در دیاسپورا در حال سازمان‌دهی برای جلب توجه به مسئولیت امارات هستند و همزمان خواستار تحریم امارات شده‌اند. نقش امارات در حفظ جنگ چه بوده و چرا آمریکا آن را نادیده می‌گیرد؟

السید: امارات پیش از جنگ فعلی در سودان رابطه مالی و نظامی طولانی مدتی با آر اس اف داشته است. این شراکت شامل تبادل طلا در برابر سلاح و اعزام سربازان آر اس اف برای جنگیدن در یمن برای امارات است. شواهد دخالت آن‌ها دیگر فقط اتهام نیست و به خوبی مستند شده است. نه تنها جنگجویان آر اس اف از سلاح‌های ساخت امارات استفاده می‌کنند، بلکه پروازهای خطوط هوایی امارات بارها برای انتقال محموله و مجروحان به پایگاه‌های آر اس اف ثبت شده است. گزارش‌هایی از قاچاق تن‌ها طلا از سودان وجود دارد که امارات نقش مرکزی در این تجارت غیرقانونی دارد.

با وجود این شواهد فراوان، آمریکا و دیگر قدرت‌های امپریالیستی غربی تمایلی به پرداختن مستقیم به نقش امارات در درگیری ندارند. این سکوت حتی پس از اتهامات رسمی دولت سودان به شورای امنیت سازمان ملل ادامه دارد که به وضوح نقش امارات در سوخت‌رسانی به جنگ را نشان می‌دهد. منافع امارات

شامل تصاحب منابع و زمین در سودان غنی از منابع است. طلا، زمین کشاورزی و دام به اندازه کافی وجود دارد که دهه‌ها موجب مداخلات کشورهای خلیج فارس در سودان شده است. تمایل کم آمریکا برای مقابله با امارات ناشی از منافع استراتژیک است، به‌ویژه که امارات اخیراً به‌عنوان شریک دفاعی مهم اعلام شده و برای استراتژی خاورمیانه آمریکا، از جمله مقابله با ایران، حیاتی است. بنابراین نقش امارات نادیده گرفته یا کم‌اهمیت جلوه داده می‌شود و به آن اجازه ادامه دخالت بدون پاسخگویی، در غیاب هرگونه هشدار جدی داده می‌شود. این رویه نه تنها از امارات محافظت می‌کند بلکه استانداردهای دوگانه سیاست خارجی غرب در سودان را نیز برجسته می‌کند.

آیواک: منافع آمریکا و امارات به‌عنوان هم‌دستان در حفظ سیستم جهانی استثمار و کنترل عمیقاً همسو است. آمریکا بخش عمده تجهیزات نظامی، اطلاعات و حمایت ژئوپلیتیک را فراهم می‌کند که امارات را قادر می‌سازد در سودان و سراسر منطقه عمل کند. سلاح‌های آمریکا به‌طور منظم توسط امارات برای سرکوب جنبش‌های مقاومت، نه تنها در سودان بلکه در یمن، لیبی و دیگر مناطق استفاده می‌شوند. هر دو قدرت در تلاش برای حفظ بی‌ثباتی منطقه‌ای به‌عنوان ابزار سود اقتصادی با یکدیگر متحد هستند، از جنگ برای تأمین مسیرهای تجاری، بهره‌برداری از منابع طبیعی و سرکوب عاملیت سیاسی مردم منطقه استفاده می‌کنند. این کنترل تنها درباره دسترسی به منابعی مانند طلا در سودان نیست، بلکه اهرم ژئوپلیتیکی وسیع‌تری در یک استراتژی منطقه‌ای گسترده ایجاد می‌کند که از اشغال فلسطین تا تضعیف حاکمیت یمن را در بر می‌گیرد.

مقاومت در برابر این سیستم به بیش از تحریم‌های نمادین نیاز دارد؛ نیازمند بازاندیشی ساختاری در نحوه جنگ افروزی قدرت‌های امپریالیستی است که آمریکا رهبری آن را بر عهده دارد و با بازیگران منطقه‌ای مانند امارات پشتیبانی می‌شود. تحریم‌های امارات، در حالی که ضروری هستند، باید بخشی از استراتژی بزرگ‌تری باشد که محور آمریکا-امارات را مستقیماً به چالش بکشد، نقش مشترک آن‌ها در رنج مردم سودان را آشکار کند و سیستم امپریالیستی که آن را حفظ می‌کند، برچیده شود. همبستگی با سودان، فلسطین، یمن و فراتر از آن ضروری است، نه تنها برای کسب منافع سیاسی فوری، بلکه برای به چالش کشیدن سیستم‌های جهانی خشونت و کنترل که آمریکا و امارات هر دو به آنها دامن می‌زنند.

شیرین اکرم-بوشار: کمپین‌ها علیه نقش امارات چگونه بوده است؟ آیا تاکنون موفقیتی کسب کرده‌اند؟

مازن السافی: امارات نقش مرکزی در سوخت‌رسانی به جنگ در سودان داشته و آر اس اف را با سلاح‌هایی مجهز کرده که شهرها را ویران کرده، میلیون‌ها نفر را آواره کرده و خشونت ضدانقلابی را تثبیت کرده است. با وجود مستندات گسترده از ارسال سلاح‌های امارات، نهادهای بین‌المللی اقدامی نکرده‌اند. بسیاری از سازمان‌ها و کمپین‌ها به طور خستگی‌ناپذیر برای افشای نقش امارات تلاش کرده‌اند، آگاهی بخشی کرده و زمینه را برای اقدامات بعدی فراهم کرده‌اند. با این حال، آگاهی به تنهایی کافی نیست. باید تلاش‌ها را به مختل کردن مستقیم زنجیره‌های تأمین جنگ ضدانقلابی ارتقا دهیم. دولت‌ها و نهادهای جهانی یا تمایلی ندارند یا قادر به اجرای تحریم تسلیحاتی نیستند، به همین دلیل جبهه مقاومت سودان کمپین تحریم تسلیحاتی مردم را پیش می‌برد، کمپینی برای مختل کردن مستقیم زنجیره‌های تأمین جنگ.

جبهه مقاومت سودان پیش از این بخشی از یک ائتلاف گسترده بوده که نهادهایی که در مداخلات امپریالیستی امارات مشارکت دارند را مورد هدف قرار می‌دهد از جمله مؤسسات آموزشی مانند دانشگاه نیویورک (NYU) که روابط مالی و سیاسی عمیقی با امارات دارد. امارات از پردیس ابوظبی دانشگاه نیویورک حمایت مالی می‌کند، که بخشی از استراتژی قدرت نرم آن است، در حالی که همزمان نیروهای ضدانقلابی را در سودان تأمین مالی و مسلح می‌کند. در ماه‌های اخیر، این ائتلاف‌ها موفق شده‌اند ارسال سلاح‌ها به اسرائیل را افشا و مختل کنند و بر شبکه‌های لجستیکی که اشغال نظامی فلسطین را تسهیل می‌کنند، نور بتابانند. تحقیقات و اقدامات مستقیم روشن کرده است که شرکت‌های حمل‌ونقل چگونه با انتقال کالاهای نظامی این شرکت‌ها را به مواجهه با نقش خود وا می‌دارد. ما می‌خواهیم روش‌های مشابهی را در افشای انتقال سلاح از آمریکا و امارات به آر اس اف به کار ببریم تا این شبکه‌ها بدون کنترل دیگر نتوانند ادامه پیدا کنند. این امر نیازمند ایجاد جبهه متحد با اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های ضدامپریالیستی، شبکه‌های دیاسپورای سودانی و جنبش‌های همبستگی است که علیه نظامی‌گری حمایت شده توسط امپریالیسم در فلسطین، یمن و فراتر از آن مبارزه می‌کنند.

مداخله مردمی برای تحریم تسلیحاتی یک مداخله واقعی است، نه فقط فراخوانی برای تحریم یا محکومیت اخلاقی، بلکه یک استراتژی برای تضعیف جنگ امپریالیستی از طریق اقدام جمعی است. این امر شامل آموزش سیاسی گسترده، بسیج مستقیم در بنادر و سفارتخانه‌ها و ایجاد ائتلاف با سازمان‌هایی است که در جهت برچیدن شبکه‌هایی که این جنگ را تقویت می‌کنند، می‌کوشند. کسانی که می‌خواهند در این کمپین سهمی داشته باشند می‌توانند در تحقیقات ما مشارکت کنند، در شهرهای خود بسیج شوند و به ایجاد جبهه متحدی کمک کنند که برای قطع نقش امارات و آمریکا در تخریب سودان ضروری است..

